



گزارش رصد فرهنگی (۱۰)

## وضعیت نشاط اجتماعی در ایران

نشاط و شادی از مهم‌ترین مولفه‌های درونی و عاطفی تعیین‌کننده کیفیت زندگی انسان معاصر است که موجب پویایی و تحرک جامعه و شکوفایی استعدادها شده و به عنوان پدیده‌ی اجتماعی اثرگذار در کاهش آسیب‌ها و مسائل متعدد در سطح خرد و کلان مطرح می‌شود. طبق داده‌های مربوط به نشاط جامعه ایران هرچند میزان شادی ایرانیان در دوره‌های زمانی اتمام پیمایش‌ها مقادیر متفاوتی به دست آمده؛ اما به صورت کلی، متوسط رو به پایین بوده که وضعیت نامطوب جامعه ایران در این زمینه استنباط می‌شود.

ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌های درونی و عاطفی کیفیت زندگی انسان معاصر، که نمودی اجتماعی نیز می‌یابد، پدیده‌ی شادی یا نشاط است. شادی ازجمله هیجانات اولیه و خوشایندی است که باعث انبساط خاطر و آرامش ذهنی فرد می‌گردد و از سلامتی عاطفی او حکایت می‌کند. شادی، به‌عنوان یکی از ملزومات روح و جسم انسان، ازجمله ضروریات و نیازهای طبیعی بشر است و همواره موردتوجه و مطالعه‌ی جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت و به‌تازگی حوزه‌ی علوم اجتماعی قرار گرفته است. این پدیده به‌دلیل آثار عمده بر سالم‌سازی و بهسازی جامعه، مدت زیادی است ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است؛ به‌طوری‌که امروزه بسیاری از ملل به‌نوعی درصد ایجاد یک جامعه‌ی سالم و بانشاط هستند، چراکه احساس شادی و برخوردار از نشاط فردی و اجتماعی، از یک‌سو انسان‌ها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌سازد و از سوی دیگر، به‌دلیل ویژگی مسری بودن آن، بستگی‌های فرد را با محیط گسترده‌تر می‌کند. از این حیث، مادامی‌که شهروندان احساس شادی کنند، همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند. همچنین، نقش شادی در زندگی افراد به‌حدی است که متفکر اجتماعی راسکین بر این نکته تأکید می‌ورزد که «ثروتمندترین کشور، کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته باشد» (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۳).

از سال ۲۰۰۰ به بعد، در نگاه سازمان ملل، برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها متغیرهای شادی، امید به آینده، خشنودی و رضایتمندی افراد نیز به‌عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده‌اند. به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس شادی، خشنودی و رضایتمندی نکنند، نمی‌توان آن را جامعه توسعه‌یافته قلمداد کرد که این نشانه‌ی اهمیت شادی است (محمدی‌راد، ۱۳۹۱: ۳). درواقع، رضایت و شادی مردم نشان می‌دهد که آن کشور توانسته است رفاه و آرامش موردنیاز را برای اعضای خود فراهم کند (امیرمظاهری و فخاریان، ۱۳۹۵: ۸). همچنین ارزیابی آمارهای جهانی درباره‌ی وضعیت شادی در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از مردم جهان در سطح «بالا» و ۵۰ درصد «تاحدودی» شاد هستند؛ ۳۰ درصد احساس شادی «پایین» دارند و ۶ درصد نیز اصلاً شاد نیستند (گزارش جهانی شادی، ۲۰۲۰).

در دنیای معاصر، سیاست‌گذاران عرصه‌های مختلف فعالیت‌های انسانی، از مراکز علمی و دانش‌پژوهی تا مؤسسات خدماتی و کارگری، با شیوه‌های متفاوت می‌کوشند تا شادی را در نهاد آدمیان ایجاد کنند و بدین طریق، هم بر تولیدات علمی خود بیفزایند و هم بر فراورده‌های صنعتی و خدماتی؛ و مهم‌تر از همه، زندگی امن و آرام و به‌دوراز عصبیت و پرخاش و مردمی شاد و امیدوار را مهیا کنند. از این‌رو، با توجه به تأثیرت همه‌جانبه و دامنه‌دار شادی در توسعه و تقویت زمینه‌های رشد و تعالی و ایجاد مشکلات عدیده‌ی روانی-اجتماعی، در صورت کمبود آن

باید نسبت به مقوله شادی و عوامل ایجادکننده آن مطالعه دقیق و علمی انجام شود. بنابراین هدف اساسی پژوهش حاضر، ارائه تصویری جامع از وضعیت شادی در جامعه ایران بر اساس داده‌های جهانی و پیمایش‌های ملی است.

به واسطه اهمیت موضوع و تأثیر این مسئله در موفقیت برنامه‌های کلان توسعه پایدار، بند «ب» ماده ۹۷ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صراحت دولت را مکلف کرده است تا به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامعی برای بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی اقدام کند. بر این اساس، در نظر گرفتن این مقوله در امر پژوهش و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی کلان، مستلزم شناخت و بررسی دقیق و علمی وضعیت این پدیده است تا بر اساس روش‌های اصولی و منظم نشان داده شود که چگونه انسان‌ها در یک جامعه زندگی می‌کنند و چگونه باید شرایط و موقعیت‌های خود را برای ایجاد شادی تغییر دهند.

### چارچوب مفهومی پژوهش

مروری بر ادبیات موضوعی شادی در حوزه‌های نظری و تجربی نشان می‌دهد که شادی نه فقط به صورت مستقیم و بر اساس ترکیبی از گویه‌های شکل‌دهنده مقیاس‌های شادی و نشاط، بلکه در بخش بزرگی از پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سنجش سرمایه اجتماعی و پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، به شکل غیرمستقیم و بر مبنای شاخص‌هایی نظیر «رضایت از امکانات رفاهی خانواده، رضایت از وضعیت سلامتی، رضایت از زندگی، رضایت از خانواده و لذت بردن از آن، رضایت از شغل، رضایت از وضعیت مالی، رضایت از وضعیت مسکن، رضایت از اوضاع سیاسی کشور، رضایت از اوضاع اقتصادی کشور، رضایت از محل سکونت، احساس راحتی و آرامش، میزان امید به آینده، رضایت از ازدواج و رضایت از شریک زندگی که میزان رضایت افراد از سطوح مختلف زندگی در ابعاد خرد، میانه و کلان را دربردارند، مورد سنجش قرار گرفته است. از این‌رو، در این پژوهش با توجه به منابع گردآوری‌شده در خصوص تبیین وضعیت شادی و نشاط اجتماعی در ایران، هر دو گروه از پژوهش‌هایی که شادی را به صورت مستقیم (میانگین شادی) و غیرمستقیم (میانگین میزان رضایت از زندگی در ابعاد مختلف) مورد ارزیابی قرار داده‌اند، مدنظر قرار گرفته‌اند و تلاش می‌شود به واسطه مقایسه نتایج آن‌ها، نمایی جامع از وضعیت شادی و نشاط در ایران ارائه شود.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در قالب مرور سامانمند با استفاده از روش‌های اسنادی و با اتکا به نتایج پیمایش‌های ملی و بین‌المللی، در پی توصیف وضعیت شادی در جامعه ایران است. در ابتدا، مروری خواهیم داشت بر گزارش‌های جهانی که به صورت مقایسه‌ای به وضعیت شادی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. در مقیاس بین‌المللی، تاکنون تعداد ۹ پیمایش در سنجش وضعیت شادکامی کشورها انجام شده‌اند که نخستین آن‌ها مربوط به سال ۲۰۱۲ و تازه‌ترین آن‌ها متعلق به سال ۲۰۲۱ است. در داخل کشور نیز چند پیمایش انجام شده‌اند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به سنجش وضعیت شادی، نشاط، شادکامی یا احساس رضایت و خوشبختی پرداخته‌اند.

بنابراین، مبنای تدوین گزارش حاضر یافته‌های پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که تاکنون سه موج آن در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ اجرا شده‌اند؛ طرح ملی «سنجش سرمایه اجتماعی کشور» (۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)؛ پیمایش ملی در حوزه ادراک از سلامت (۱۳۸۹)؛ و پیمایش شادکامی مردم ایران (۱۳۹۶ و ۱۳۹۸) که البته یافته‌های آن هنوز به صورت رسمی انتشار نیافته‌اند، خواهد بود. البته در پیمایش‌های ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» به طور مستقیم درباره شادی سؤال پرسیده نشده است؛ اما بر اساس نتایج برخی از تحقیقات (برای نمونه در مقالات قلاوندی و همکاران، ۱۳۹۰؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۰؛ فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲؛ نقدی و مقدم شاد، ۱۳۹۴؛

آقابایایی، ۱۳۹۴؛ کرمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ کرمانی و همکاران، ۱۳۹۸) بین دو متغیر رضایت از زندگی و نشاط، شادی و شادکامی همبستگی بالایی وجود دارد. بر این اساس، با توجه به نبود داده‌های ملی در خصوص نشاط، به‌ناچار باید به متغیرهایی که همبستگی نزدیکی با این مفهوم دارند، به همبسته آن یعنی رضایت از زندگی یا گویه‌های نزدیک به آن تکیه شود. از این‌رو، با هدف به دست آوردن ادراکی از وضعیت فعلی، به شاخص‌هایی همچون رضایت از زندگی، خانواده، شغل و نظایر یا درنهایت احساس خوشبختی که همبستگی نظری با شادی دارند، مراجعه و یافته‌های آن‌ها مرور خواهد شد.

#### وضعیت شادی در ایران بر اساس داده‌های بین‌المللی

در مقیاس جهانی، مؤسسه نظرسنجی گالوپ تاکنون ۹ موج پیمایش جهانی در سنجش وضعیت شادی انجام داده است. در این بررسی‌ها، شادکامی معادل «ارزیابی ذهنی فرد از وضعیت زندگی خود» تعریف شده است. به بیان دیگر، اینکه پاسخ‌گویان در زندگی‌شان تا چه حد احساسات مثبت (خنده و تجربه‌های لذت‌بخش) و احساسات منفی (خشم، نگرانی، غمگینی) را تجربه می‌کنند. نمره شادی افراد، میانگین نمره‌های آن‌ها در وضعیت‌های یادشده است. حجم نمونه در سال‌های مختلف بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در هر کشور متغیر است؛ و به دلیل شیوع ویروس کرونا، نظرسنجی ۲۰۲۱ به شیوه تلفنی انجام شده است که ممکن است نتایج آن نسبت به موج‌های پیشین تحت‌الشعاع قرار گیرند؛ چندان‌که خود مؤسسه نیز در گزارش ۲۰۲۱ به آن اشاره و جایگاه کشورهای مختلف را نسبت به سال پیش از آن که مصاحبه‌ها حضوری بودند، مقایسه کرده است تا خواننده را به رعایت احتیاط در تفسیر نتایج دعوت کند.

جدول ۱: رتبه و میانگین نمره شادی ایران در پیمایش‌های جهانی (۲۰۱۲-۲۰۲۱)

سال

متغیر

۲۰۱۲

۲۰۱۳

۲۰۱۵

۲۰۱۶

۲۰۱۷

۲۰۱۸

۲۰۱۹

۲۰۲۰

۲۰۲۱

تعداد کشورها

۱۰۵

۱۵۶

۱۵۸

۱۵۷

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۶

۱۵۳

۱۴۹

رتبه ایران

۸۱

۱۱۵

۱۱۰

۱۰۵

۱۰۸

۱۰۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۸

میانگین نمره شادی  
(دامنه صفر تا ده)

۵.۳

۴.۶۴

۴.۶۸

۴.۸۱

۴.۶۹

۴.۷۱

۴.۵۵

۴.۶۷

۴.۷۲

تحلیل روند شادی بر اساس پیمایش‌های ملی

اگرچه هر یک از پیمایش‌های ملی، شاخص‌های کمابیش متفاوت و جامعه آماری مختلفی داشته‌اند، اما سعی می‌شود با ترکیب و استانداردسازی نتایج آن‌ها، بتوان به تصویری از روند تغییرات طی تقریباً سه دهه‌ای دست یافت که این پیمایش‌ها انجام شده‌اند. در اینجا به سه صورت اقدام شده است:

ارائه روند میانگین رضایت شهروندان (به‌عنوان همبسته شادی) بر اساس پیمایش‌های انجام‌شده؛  
ارائه روند میانگین شادی و نشاط شهروندان بر اساس پیمایش‌هایی که به‌صورت مستقیم گویه‌ای در این‌باره  
داشتند؛ و  
ترکیب محتاطانه نمره‌های رضایت و شادی در یک طیف.

۱) روند میانگین رضایت شهروندان بر اساس پیمایش‌هایی که صرفاً رضایت را سنجیده‌اند

جدول ۲: نمره رضایت شهروندان بر اساس پیمایش‌های موجود (برمبنای تراز ۱۰۰)

## پیمایش

ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۷۹

ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۸۲

ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۹۴

سرمایه اجتماعی ۱۳۹۴

وضعیت فرهنگی ۱۳۹۵

سرمایه اجتماعی ۱۳۹۷

میانگین رضایت

۷۴

۷۳.۵

۷۶.۶

۴۷.۴

۷۷

۴۷

جدول ۲ بر اساس میانگین فراوانی پاسخ‌گویان در گویه‌های رضایت محاسبه شده است، بر این اساس، می‌توان گفت که با وجود افت‌وخیزهایی که مشاهده می‌شود، روند کلی تا حدودی نزولی است. در این بین، یافته‌های پیمایش وضعیت فرهنگی در حدفاصل دو پیمایش سرمایه اجتماعی کمی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند.

(۲) روند میانگین شادی و نشاط شهروندان بر اساس پیمایش‌هایی که به‌طور مستقیم شادی را سنجیده‌اند

در جدول ۳ بر اساس چهار پیمایشی که به‌صورت مستقیم درباره شادی و نشاط پرسیده‌اند، میانگین میزان شادی بالا/زیاد محاسبه و گزارش شده است.

جدول ۳: نمره شادی شهروندان بر اساس پیمایش‌های موجود (بر مبنای تراز ۱۰۰)



## پیمایش

پیمایش سلامت ۱۳۸۸

پیمایش شادکامی ۱۳۹۶

سرمایه اجتماعی ۱۳۹۷

پیمایش مرکز تحقیقات ۱۳۹۹

## میانگین شادی

۶۲.۵

۶۶

۴۲.۲

۶۲.۵

طبق یافته‌های جدول فوق و نمودار ۸، وضعیت شادی تا سال ۱۳۹۷ با شیب تندی کاهشی بوده است؛ اما بر اساس نتایج پیمایش مرکز تحقیقات صداوسیما، میزان شادی شهروندان به یک‌باره افزایش درخور توجهی را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد با تجربه زیسته و شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه همخوان نیست. به‌علاوه اینکه مقدار شادی پایین‌تر از متوسط است که خود نکته‌ای تأمل‌برانگیز به شمار می‌رود.

۳) ترکیب محتاطانه نمره‌های رضایت و شادی در پیمایش‌های موجود

محاسبه میانگین رضایت بالا یا شادی بالا در پیمایش‌های موجود و ترکیب زمانی آن‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۴: نمره شادی یا رضایت (به‌عنوان متغیر همبسته شادمانی) بر اساس پیمایش‌های موجود (برمبنای تراز ۱۰۰)

#### پیمایش

ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۷۹

ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۸۲

پیمایش سلامت ۱۳۸۸

ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۹۴

سرمایه اجتماعی ۱۳۹۴

وضعیت فرهنگی ۱۳۹۵

پیمایش شادکامی ۱۳۹۶

سرمایه اجتماعی ۱۳۹۷\*

پیمایش مرکز تحقیقات ۱۳۹۹

میانگین

۷۴

۷۳.۵

۶۲.۵

۷۶.۶

۴۷.۴

۷۷

۶۶

۴۷

۶۲.۵

\* میانگین دو شاخص رضایت و شادی محاسبه شده است.

بر اساس محاسبات انجام شده، می‌توان یک سیر تاریخی از وضعیت شادکامی در ایران بنیان نهاد. البته باید توجه داشت گویه‌های این پیمایش‌ها همگی درباره شادی نبوده‌اند و همچنین، تفاوت در ابزار سنجش ممکن است به نتایج متفاوتی منجر شده باشد؛ و از این‌رو، باید جوانب احتیاط در تفسیر روند شادی در ایران در سه دهه اخیر رعایت شود. با این حال، چندان‌که از داده‌ها برمی‌آید، روند شادی در ایران دارای فراز و فرود بوده؛ اگرچه همواره در حد متوسط ارزیابی شده است.

وضعیت شادی ایرانیان اگرچه همواره افت‌وخیزهایی داشته، به نظر می‌رسد طی سال‌های منتهی به ۱۳۹۷ با کاهش درخور توجهی مواجه شده است. این امر وقتی درخور توجه‌تر می‌شود که در یک ارزیابی از مختصات اجرایی پیمایش‌های موجود، در نظر بگیریم که پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی کشور به لحاظ زمانی تازه‌تر بوده و با حجم نمونه زیاد و دقت ویژه انجام شده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد نتایج این پیمایش توصیف‌گویاتری از وضعیت موجود در کشور باشند و نسبت به نتایج پیمایش مرکز تحقیقات یا پیمایش شادکامی (که فقط در بین زنان و مردان متأهل و با حجم نمونه کمتری انجام شده) قابل اعتمادتر هستند.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با وجود اهمیت بالای شادی و پیامدهای گسترده آن در ابعاد فردی و اجتماعی، در پیمایش‌های ملی این مفهوم آن‌چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. معدود پیمایش‌های در دسترس نیز به دو دلیل مهم چندان قابل اعتماد نیستند؛ نخست اینکه آن‌ها به صورت مستقیم درباره شادی نپرسیده‌اند و دوم آنکه سنج و شاخص‌های آن‌ها در هر پیمایش متفاوت‌اند و از این‌رو، مقایسه داده‌ها و یافتن روند دقیق تغییرات مقدور نیست. یافتن روند و تحلیل و سیاست‌گذاری بر اساس روندها مهم‌ترین بخش هر اقدامی است؛ که این خود نیازمند انجام دادن پیمایش‌هایی مشخص در سنجش وضعیت شادی است و نه پیمایش‌هایی همچون تحقیقات موجود که مثلاً درباره رضایت هستند. ممکن است شکافی بین رضایت و شادی وجود داشته باشد. به علاوه، همان‌طور که ملاحظه شد، نتایج رضایت در بُعد زندگی شخصی با رضایت از وضعیت اقتصادی بسیار متفاوت است؛ که این خود بیانگر چندبُعدی بودن مفهوم شادی است و در ارزیابی شادمانی و سنجش آن باید به این مسئله توجه کرد.

بر اساس محاسبات و تحلیلی که از روند شادی ایرانیان بر اساس داده‌های جهانی و ملی انجام شد، به نظر می‌رسد وضعیت دوگانه‌ای در این حوزه وجود دارد؛ به طوری که بر اساس داده‌های جهانی، میزان شادی شهروندان در حد پایین است و کشور ما در زمره ناشادترین کشورها قرار گرفته، در حالی که در پیمایش‌های داخلی (به جز پیمایش سرمایه اجتماعی سال ۱۳۹۷) میزان شادی شهروندان در سطح متوسط به بالا ارزیابی شده است. البته در دو پیمایش هم میزان رضایت شهروندان چندان تعریفی نبود. این دوگانگی را شاید بتوان به دلیل متفاوت بودن سنج‌های پیمایش که مبنای ارزیابی نگارنده قرار گرفت، توجیه کرد؛ زیرا به هر حال، میزان رضایت و میزان شادی دو مفهوم کاملاً منطبق بر هم و دارای همبستگی یک نیستند؛ اما به هر حال این امر به ضرورت تحقیقات مستقل درباره شادی و ابعاد آن اشاره دارد.

اگر مبنای ارزیابی‌ها داده‌های جهانی باشد، به نظر می‌رسد با وجود مشکلات اقتصادی متعددی که در کشور وجود دارد و به افزایش نرخ بیکاری، تورم و غیره شده است، در سال‌های اخیر میزان شادی شهروندان تغییر درخور توجهی نکرده است. البته باید توجه کرد، همین‌که در سال‌های اخیر تغییر محسوسی در میزان شادی حاصل نشده و بر اساس داده‌ها میزان آن تقریباً ثابت مانده، این خود امری نامطلوب است؛ زیرا انتظار می‌رود هر ساله نسبت

به قبل میزان شادی و شادکامی شهروندان افزایش یابد. اما اگر مبنای ارزیابی از وضعیت شادی در ایران را پیمایش‌های ملی قرار دهیم، به صورت کلی می‌توان گفت میزان شادی در حد متوسط و یا اندکی کمتر از متوسط است. البته لازم به ذکر است که پس از آخرین پیمایش انجام شده (یعنی ۱۳۹۸) کشورمان تغییراتی اساسی را به ویژه در بخش اقتصادی تجربه کرده است که تورم شدید و بیکاری ناشی از شیوع کروناویروس از جمله آن‌هاست. از این رو، بسیار محتمل است که سطح رفاه بخش عمده‌ای از شهروندان کاهش یافته و به تبع شادمانی و احساس خوشبختی‌شان نیز افت کرده باشد. گرچه ممکن است گفته شود شاخص‌های رفاه عینی با شادی ارتباط ضعیفی دارند، می‌توان استدلال کرد که این امر برای زمانی است که حداقل‌های معیشت برآورده شوند و فرد غم نان شب نداشته باشد؛ اما پس از گذر از این مرحله، چه بسا با افزایش رفاه به ناچار میزان شادی افزایش نیابد. هرچند، می‌توان از این زاویه هم به وضعیت شادی در بین ایرانیان با وجود مشکلات اقتصادی نیز نگریست که «شادی» در میان ایرانیان ناشی از این است که شهروندان ایرانی اغلب از شبکه روابط گسترده‌ای برخوردارند که این شبکه روابط، با افزایش دامنه حمایت‌های اجتماعی، به نوعی به بهزیستی و شادکامی شهروندان منجر می‌شود. به عبارتی، گرایش‌ها و تمایلات ایرانیان نسبت به اجتماع اغلب در قالب علاقه‌مندی به هموعان خویش و تأثیرگذاری مثبت بر آن‌ها بوده است. عضویت و روابط اجتماعی افراد دربرگیرنده مشارکت در گروه‌های داوطلبانه و شبکه‌های غیررسمی خویشاوندان و آشنایان است؛ و درگیری افراد در این روابط، حاوی مبادلاتی است که طی آن افراد می‌توانند روابط و حمایت‌های موردنیاز را به دست آورند. امکانات عاطفی از جمله منابعی هستند که افراد در این روابط اجتماعی مبادله می‌کنند؛ و احساس شادی و نشاط یکی از این حالات عاطفی است (نبوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

در تصور غالب روزمره، انسان برای شادی و زندگی همراه با لذت آمده است. بنابراین در هر زمان امر مطلوب و فایده‌مند همیشه با میزانی از شادی و رضایت درونی همراه است. در این اندیشه، مجموعه‌ای از لذت‌ها، اعم از مادی و معنوی، به حساب شادی گذاشته شده‌اند؛ بی‌آنکه تقدم یا تأخر یا اولویت‌بندی آن‌ها مدنظر باشد. برخی محققان بر این باورند: «این مجموعه لذات مادی و معنوی مانند لذت حسی، لذت ثروت، لذت شهرت، لذت قدرت، لذت حافظه، لذت قدرت تصور و خیال، لذت رفاقت، لذت تقوا و پرهیزگاری، لذت خیرخواهی، لذت شرارت و بدی» است (عنبری، ۱۳۹۱). گروه زیادی زندگی را ساحلی دلپسند، زیبا و جذاب می‌پندارند که باید در آن نوشید و پوشید و شادمان بود. آن‌ها خوشبختی را به جلوه‌هایی مانند جمال و دارایی، قدرت و توانایی، رفاه و تن‌آسایی و فراغت و سرگرمی فرومی‌کاهند. حتی علوم مدرن نیز که در حوزه مادیات و تمتعات زندگی انسانی به اکتشافات و دستاوردهایی رسیده‌اند، نشاط و احساس خوشبختی را همسوی با این تصور رایج تعریف می‌کنند. بر این اساس، تا زمانی که جامعه ایران مواجهه خود را با مؤلفه‌های فوق شفاف، موزون و معقول نکند، مدیریت شادی در کشور نیز مبهم و نامؤثر باقی خواهد ماند. بدین منظور، نخست باید در شادی‌های عمومی و ملی به حکمرانی نشاط یعنی حضور سنجیده و منظم نهادهای دولتی و انتظامی به منظور خدمات‌رسانی بهتر و تأمین بهتر امنیت اقدام کرد.

منظور از حکمرانی این است که با نوعی مدیریت مشارکتی مردم و دولت، جشن‌های محلی، ملی، سنتی و مذهبی و آیینی برگزار شوند. در سطح دوم، نوعی نشاط‌های گروهی و محلی است که در میان اقشار، طایفه‌ها یا گروه‌های خاص هستند. مادامی‌که این‌گونه گردهمایی‌های مفرح برای اجرا و احترام به رسوم و سنت‌های هنجار و عرفی هستند، دخالت دولت توصیه نمی‌شود. مثال آن مراسم عروسی و شادی‌های خانوادگی است. در این سطح مهم‌ترین وظیفه دولت تأمین فرصت و امنیت فضای شکل‌گیری شادی‌های ملی و سنتی مردمی است. بی‌تردید امنیت دادن به این شادی‌ها باید به صورت نامحسوس و از طریق سامان‌دهی گروه‌ها انجام شود. در سطح سوم، به شادی‌های شخصی و فردی می‌رسیم که باید معیار حضور و مداخله در آن‌ها قوانین رسمی باشند. مادامی‌که این‌گونه شادی‌ها به فرهنگ دینی و زندگی دیگر شهروندان آسیب نمی‌رسانند، دخالت کنترلی و مستقیم در آن‌ها نادرست، پرهزینه، کم‌نتیجه و یأس‌آور است. دخالت غیرمستقیم و با واسطه در اینجا پیشنهاد می‌شود. در عین حال، معمولاً برخوردهای شخصی و سلیقه‌ای در این‌گونه موارد فراوان هستند که

باید به حداقل ممکن برسند.

به طور کلی، در کشور به دلیل تأکید زیاد بر منابع مادی، فیزیکی و فنی، از اهمیت منابع اجتماعی نمادین و فرهنگی نظیر اعتماد عمومی و نشاط اجتماعی بحث جدی به میان نیامده است. به همین دلیل، در کشور پروژه و برنامه کلانی نیز تحت عنوان «نشاط اجتماعی» تعریف نشده و تا آنجا که اطلاعات موجود اجازه می‌دهند، در راه شاخص‌سازی آن گامی مؤثر و ملی برداشته نشده است. باید در نظر داشت که تعریف شرایط مناسب نشاط اجتماعی باید بر اساس واقعیت‌ها صورت گیرد؛ نه تصورات مبهمی که آلوده به خواست صرف برنامه‌ریزان باشند.

افزایش نشاط به تحول در تمامی عرصه‌های زندگی مردم نیاز دارد. نشاط موضوعی در خلأ و به دور از رفاه و خوب زیستن نیست. واقعیت جاافتاده این است که نشاط و حس امیدواری به آینده با احساس رفاه و امنیت خاطر همراه است. باید شرایطی فراهم کرد که مردم در هر نقطه‌ای از ایران خودشان تعریف کنند که نشاط و گونه‌های مناسب از دید آنان چیست و چگونه می‌توان با مشارکت آنان، شرایط بهتری برای نشاط فردی و جمعی فراهم آورد. نکته مهم دیگر این است که در شرایط فعلی جهانی شدن، احساس امنیت، نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی در ایران در گرو داشتن برنامه‌های خردمندانه، سنجیده و کم‌مخاطره در ارتباط با نظام جهانی است. بخش مهمی از احساس شادکامی را مقوله امنیت و تعامل سازنده با کشورهای دیگر دنیا تبیین می‌کند. حس امنیت و شادکامی و رضایتمندی در ایران بهبود نخواهد یافت، اگر مردم نگران باشند که روابط با جهان بر اساس مصالح ملی تنظیم نمی‌شوند و پیش‌بینی‌پذیر نیست که این روابط به کدام سمت‌وسو در حرکت است. بهتر است ارزیابی کنیم که چقدر بر اساس شعار معروف «عزت، حکمت و مصلحت» به منافع و دغدغه‌های مردمی پاسخ‌گو بوده‌ایم.

در نهایت اینکه سیاست‌گذاری علمی و مدون‌سازی اولویت‌های علمی در حوزه شادی و نشاط اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. به منظور پیشبرد هرگونه رفتار اجتماعی مطلوب و مثبت، نخست باید عناصر و موضوع‌های مرتبط به آن شناسایی، تبیین و تفهیم شوند. بدین منظور باید گروهی از مطالعات نظری و تحقیقات تجربی درباره مسئله مورد نظر طراحی و اجرا شوند. از این حیث، ارتقا و بهبود وضعیت شادی در سطح جامعه نیز مدیون عملکردهای علمی و پژوهشی و اولویت یافتن تحقیق در این حوزه است؛ به طوری که در سطح کلان، باید پروژه‌های متعددی به منظور تعریف ابعاد، تدوین مؤلفه‌ها و ابعاد، نظریه‌پردازی درباره شرایط ایجاد شادی و مدل‌سازی و شاخص‌سازی در راستای نشاط و شاد زیستی تعریف و اجرا شوند. به عبارت دیگر، باید مقوله نشاط را بر مبنای ظرفیت‌های داخلی و خواست‌های مردمی و نیز تجارت مطلوب جهانی، به شکل جامعه و در راستای فرهنگ ایرانی و اسلامی و شواهد و قرائن موجود در جامعه مفهوم‌سازی و شاخص‌های معتبری در این حوزه تدوین کرد. در عین حال، باید سازوکارهای اجرایی معتبری در جهت سنجش وضع موجود شادزیستی در جامعه طراحی کرد و از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های محلی و ملی بهره برد.

در سطح مناطق قومی و محلی، سازمان‌های محلی و به‌ویژه شوراهای شهر و محله می‌توانند به‌عنوان متولی فهم شرایط موجود، طراحی و اجرای سیاست‌های شادزیستی شهروندان را به عهده گیرند و برنامه‌های راهبردی خویش را در راستای شاخص‌های بهزیستی نشاط اجتماعی تعریف کنند. تشکیل بانک داده‌های نشاط و شادزیستی شهروندی، شاخص‌سازی و طراحی مقیاس‌های بومی نشاط و اجتناب از تقلیل ایران‌پژوهی به تهران‌پژوهی در تحقیقات مرتبط با شادی و نشاط از دیگر پیشنهادها برای راهبردی مرتبط با ارتقای نشاط در ایران است. محلی‌گرایی در برنامه‌های نشاط (و اختصاص حوزه‌ای به طراحی و سازمان‌دهی و برگزاری شادی‌های محلی در برنامه‌های توسعه محلی و منطقه‌ای کشور)، تشکیل اجتماعات هویت‌بخش (تأکید بر شادی‌های جمعی سنتی و شادی‌های محله‌ای، ملی و مذهبی) و تمرکز بر نشاط حقیقی و آموزه‌های دینی شادی نیز از دیگر راهبردهای ارتقای پایدار شادی و نشاط اجتماعی است.

به‌عنوان نکته پایانی، بر ضرورت شروع تحقیقات پانل (طولی) در خصوص مفاهیم مهم و اثرگذار همچون شادی، اعتماد اجتماعی، رضایت و غیره تأکید می‌شود تا ضمن سنجش وضعیت فعلی، بتوان در سال‌های آینده میزان تغییرات و روند آن‌ها را شناسایی کرد و سیاست‌گذاری‌های مربوط را پی‌گرفت و این‌چنین در شناسایی وضعیت و روندهای آن سرگردان نماند.